

وحید آقاپور، بازیگر فیلم «سرهنگ ثریا»

قصه‌ای که مستند است

وحید آقاپور، پس از سال‌ها فعالیت در تئاتر، اولین بار سال ۱۳۸۷ در ۳۰ سالگی با تله‌فیلم «خوشبختی» به کارگردانی بهروز شفیعی جلوی دوربین رفت و با فیلم «پذیرایی ساده» مانی حقیقی سال ۸۹ وارد سینما شد. آقاپور که سال گذشته با «موقعیت مهدی» اولین ساخته سینمایی هادی حجازی‌فر در چهلمین جشنواره بین‌المللی حضور داشت امسال هم با یک فیلم‌اولی دیگر به جشنواره فجر آمد. او امسال در دو نقش متفاوت در فیلم «سرهنگ ثریا» به کارگردانی لیلی عاج حضور دارد: فیلمی که بر حضور سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در پادگان اشرف متمرکز است. با او و کارش در این فیلم بیشتر آشنا می‌شویم:

❏ درباره سرهنگ ثریا بگویید، چه شد که تصمیم گرفتید در این فیلم بازی کنید؟
داستان را خواندم و به نظر قصه خوب و جذابی بود. از طرفی شناخت نسبی از کارگردان داشتم لذا پذیرفتم در این فیلم بازی کنم.

❏ کمی درباره نقش تان در فیلم بگویید؟
من در این فیلم دو نقش بازی می‌کنم؛ نقش دو برادر دوقلو به نام‌های جلیل و خلیل طاهرزاده را بازی می‌کنم که یکی از آنها داخل اردوگاه اشرف است و دیگری دنبال برادر آمده است. او تلاش دارد برادرش را ببیند تا او را مجاب کند که به ایران برگردد.

❏ خانم عاج در تئاتر هنرمندی شناخته شده و حرفه‌ای است اما در سینما اولین فیلم را ساخته است. از کار با او بگویید، چه شد که حضور در کار او را پذیرفتید؟

خانم عاج را از دوره دانشجویی می‌شناختم، تقریباً هم‌دوره بودیم. ایشان در دانشکده هنر و معماری و من در دانشکده هنرهای زیبا تحصیل می‌کردم و کارهای همدیگر را دیده بودیم. طبیعتاً این شناخت طولانی اثر مثبت در ذهن من داشت و بعد از این‌که فیلمنامه را خواندم با گپ‌وگفت با خانم عاج برآیند ذهنی‌ام این شد که اثر خوب و قابل دفاعی خواهد بود، لذا تصمیم گرفتم در این فیلم ایفای نقش کنم.

❏ شما خودتان از فعالان حوزه تئاتر هستید و در این فیلم هنرمندان تئاتری زیادی حضور دارند، کار یاتیم تئاتری را چطور دیدید؟

همان‌طور که اشاره کردید بسیاری از بازیگران این فیلم از هنرمندان تئاتر هستند. من هم در تئاتر سابقه دارم. به‌نظر من این کمک‌کرد تا سطح بازیگری کار را به سطح قابل قبولی برساند. روابط حرفه‌ای و خوبی بین بازیگران برقرار بود و این روحیه تئاتری در مجموع کمک کرد این فیلم ساخته شود چون شرایط کاری دشواری این فیلم داشت.

❏ فیلم نوعی مستند بوده و به‌صورت تاریخی بزرگ چربان در تاریخ معاصر

متمرکز است. وقتی با فیلمنامه مواجه شدید، نظر و برداشت اولیه‌تان چه بود؟

همان‌طور که گفتید فیلم به یک داستان تاریخی می‌پردازد و پایه‌های قصه مستند است. وقتی فیلمنامه را خواندم و در حاشیه فیلمنامه توضیحات بیشتری را شنیدم و در جریان قرار گرفتم، به‌نظرم خیلی قصه غم‌انگیزی بود. خیلی متاثرکننده بود و از نقطه‌نظر عاطفی موقعیتی است که خیلی احساس برانگیز است. به‌نظرم در مواجهه با این فیلم، مخاطب نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد و حتماً با این قصه و موقعیت درگیر می‌شود.

❏ برای درک بهتر نقش، تحقیقات میدانی یا ارتباط با خانواده‌های آنها نیز داشتید؟

من برای درک نقش یک سری تصاویر مستند دیدم و با یکی از اعضای سابق سازمان مجاهدین خلق هم گفت‌وگو داشتم. او تجاریش را خیلی خوب به همه ما منتقل کرد. از طرفی من به این جریانات تاریخ معاصر علاقه‌مند هستم و این جریانات را کلاً دنبال می‌کردم و طبعاً مطالعات تاریخی خودم هم بود. در مجموع اینها در فرآیند رسیدن به نقش به من کمک کرد.

بهترین چیزی بود که می‌توانستم به آن تکیه کنم.

❏ بازخورد مخاطبان و به‌ویژه همین ساداران و خانواده‌های موضوع قصه را علنی و با تاتر و احساسات شدید در سالن نمایش فیلم دیدیم که نشان از کارکرد درست و تأثیرگذار فیلم دارد اما فکر می‌کنید امکان مواجهه خود این فرزندان فریب‌خورده و حتی سران گروهک با فیلم وجود دارد و این‌که دوست دارید

نظرشان را هم داشته باشید؟

این‌که از آنها بازخور بگیرم که خیلی برایم جذاب است اما نمی‌دانم چطور ممکن است فیلم را ببینند.

❏ چرا اسم سرهنگ ثریا را برای فیلم انتخاب کردید؟

به اسم‌های مختلفی برای فیلم فکر کردم و تقریباً در هر نسخه بازنویسی فیلمنامه هم به یک اسم برای فیلم رسیدم ازجمله «آه سرد ثریا» که از قضا امسال فیلمی هم با نام «آه سرد» در جشنواره حضور دارد.

❏ اتفاقاً آن فیلم را هم یک کارگردان خانم ساخته که همراه شما جزو تنها فیلمسازان زن این دوره جشنواره است.

بله، جالب است. خلاصه این‌که به اسم‌ها و ترکیب‌های زیادی برای عنوان فیلم فکر کردم تا این‌که خانم ثریا عبداللهی در خاطرات‌شان به من گفتند عراقی‌ها آنجا من را با اسم «عقید ثریا» (سرهنگ ثریا) صدا می‌زدند. چون او همه کارهای خانواده‌ها را رفع و رجوع می‌کرد و مواظب همه بود، این عنوان را برایش انتخاب کردند. من هم به این نتیجه رسیدم که چه ترکیب جذابی است و همه چیز دارد، هم به لحاظ مضمونی حق مطلب را درباره ماجرا ادا می‌کند، هم ترکیب آوایی خوبی دارد و هم کنجکاوی برانگیز است. به‌نظرم سرهنگ ثریا بهترین اسمی بود که می‌توانستم برای فیلم انتخاب کنم.

❏ در گفت‌وگوی قبلی که به مناسبت انتخاب شما به عنوان چهره هنر انقلاب در حوزه تئاتر داشتیم، گفتید آرزو دارید روزی دیپلم افتخار بهترین فیلمنامه جشنواره فیلم فجر را بگیرید. وقتی از شما پرسیدم چرا سیمرغ نه؟ گفتید بگذارید از دیپلم افتخار شروع کنم تا به سیمرغ برسیم اما حالا در آستانه تحقق این آرزو و دریافت دیپلم افتخار و چه‌بسا سیمرغ بلورین هستید.

چقدر به جایزه فکر می‌کنید؟

نمی‌دانم، هرچه خدا خواهد همان می‌شود. واقعاً نظری ندارم اما دلم می‌خواهد رحمت خانم ژاله سامتی دیده شود، چون خیلی با من همراه بود و هوای فیلم را داشت.

این تلاش و همراهی خیلی برایم ارزشمند است.

دیدار پراشک

وقتی از ثریا عبداللهی می‌پرسیم که ژاله سامتی برای بازی در نقش ثریا دیداری هم با شما داشت یا نه، لیلی عاج در جواب پیشقدم می‌شود و می‌گوید: «بله، دیدار پراشک». ثریا عبداللهی هم سری به نشانه تایید تکان می‌دهد و می‌گوید: علاوه بر این، بازیگر نقش پسر هم بغل کردم و بوسیدم و به او گفتم واقعا پوی امیر من را می‌دهی. عبداللهی درباره ژاله سامتی هم می‌گوید: خانم سامتی واقعا بسیارمهربان و باعاطفه هستند و همان بازیگری بودند که این فیلم می‌خواست. انتخاب خانم عاج بسیار عالی بود. عبداللهی در ادامه اشاره می‌کند که سه‌چهاربار هم سر صحنه فیلمبرداری رفته و بازی سامتی در نقش خودش را از نزدیک دیده: سکانس باران شبانه، سکانس سنگ‌اندازی منافقین، سکانسی که ثریا مادران سالمند را برای استقرار در کمپ راهنمایی می‌کند و ... از جمله صحنه‌هایی بود که در پشت صحنه آنها حضور داشتم و با بازی خوب خانم سامتی تحت تأثیر قرار گرفتم.

